



● محمدهادی نیکخواه آزاد

● تصویرگر: شیوا ضیایی



پشمه‌ی چوشان

موادّ ذوب شده و داغ دارد. آب که از کنار آن‌ها عبور می‌کند، گرم می‌شود.»
بعد به چشمه‌ی «گورگور» رسیدیم. خیلی زیبا بود. چند تا عکس گرفتم. یک چوپان از دور صدایمان کرد و برایمان دست تکان داد.

چوپان، آتش روشن کرد و چند قلوه سنگ کنار آن گذاشت. بعد از چند دقیقه سنگ‌های داغ را داخل ظرف شیر انداخت. شیر خیلی زود جوش آمد. آن را داخل چند کاسه ریخت و به ما تعارف کرد. گرمای سنگ‌ها، شیر را داغ کرده بود؛ درست مثل موادّ مذاب که آب چشمه‌ها را داغ می‌کنند.

دو سال پیش مامان بزرگم پادرد داشت. بابا می‌خواست او را برای درمان به آب گرم ببرد. پس همه با هم به سرعین اردبیل رفتیم.

وقتی به شهر زیبای سرعین رسیدیم، از بابا معنای «سرعین» را پرسیدم. بابا گفت: «سرعین یعنی سرچشمه. این شهر، چشمه‌های زیادی دارد که آب بعضی از آن‌ها گرم است.»

بعد از صبحانه، مامان بزرگ را به آب گرم رساندیم. تا برگشتن مامان بزرگ، چند ساعتی وقت داشتیم. تصمیم گرفتیم طبیعت زیبای سرعین را از نزدیک ببینیم. بابا برایم توضیح داد که آب گرم چه جوری از درون زمین بیرون می‌آید.

او گفت: «کوه سبلان، یک آتشفشان است و در دلش

